

جنبش اول ماه مه در کردستان

گرد آورنده نسان نودینیان

توضیح: بخش اول از کتاب جنبش اول ماه مه در کردستان را ملاحظه میکنید. این کتاب در شهریور ۱۳۷۸ (سپتامبر ۱۹۹۹) در تیراژ ۵۰۰ نسخه در سلیمانیه چاپ و به ایران ارسال شد. متن اولیه کتاب با واژه نگار نوشته شده بود. با بازنویسی کتاب بشکل فورمات ورد بخش اول از ۴ بخش کتاب را بمناسبت اول مه سال ۲۰۰۷ در اختیار قرار میدهم. اهمیت بخش اول این کتاب تجارب و درسهای ارزنده ای است در ارتباط با برپایی اول مه های سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۴ در سنندج. طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری با کاردانی و روحیه انقلابی قدرت انقلابی و متحد خود را به نمایش گذاشته اند. درسها و تجارب اول مه های سالهای ۶۸ تا ۶۴ تاریخ درخشانی در جنبش کارگری و جنبش برپایی مراسمهای اول مه در دل خفقان سیاه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. نسان نودینیان ۲۰ آوریل ۲۰۰۷

جنبش اول ماه مه در کردستان ۲۰۰۶ - ۱۳۵۸

بیوگرافی گرد آورنده کتاب:

نسان نودینیان، متولد سال ۱۳۳۲، از سال ۱۳۴۸ در يك محفل مبارزاتی در شهر مریوان فعالیت‌های سیاسی را شروع کرده و از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ در شهرهای ساوه و تهران هنگام تحصیل با محافل سیاسی ارتباط داشته است. در سال ۱۳۵۷ از فعالین اصلی طیف مبارزان انقلابی شهر مریوان برای پیروزی قیام در بهمن ماه ۱۳۵۷ و سپس یکی از چهره‌های اصلی در اداره شهر مریوان در فاصله قیام بهمن ۵۷ تا شروع جنگ مسلحانه در کردستان بوده است. جزو اولین دسته نیروی نظامی بود در صفوف کومه له، مقاومت مسلحانه علیه جمهوری اسلامی در جنوب کردستان را سازماندهی کرده. سال‌های زیادی در صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران، در بخش علنی و نظامی به عنوان کادر مبلغ و سازمانده در شهر مریوان و حومه و مناطق آران سردشت فعالیت داشته است. در صفوف کومه له از فعالین کمونیسم کارگری بود و به گرایش فراکسیون کمونیسم کارگری که توسط منصور حکمت فراخون داده شده بود، پیوست. در اولین کنفرانس فراکسیون کمونیسم کارگری جزو تعداد معدود دعوت شده به این کنفرانس بود. با جدایی این گرایش از کومه له او نیز جدا شد و به حزب کمونیست کارگری ایران پیوست. در سال ۱۹۹۱ در اولین کنفرانس بنیانگذاری حزب کمونیست کارگری شرکت کرده و تا سال ۲۰۰۴ از کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران بود. در حزب کمونیست کارگری ایران در مسئولیت‌های کلیدی و کمیته‌های اصلی حزب، کمیته آلمان، کمیته

کردستان و کمیته خارج از کشور عضویت داشته است. از سال ۱۹۹۹ تا مقطع جدایی از حزب کمونیست کارگری دبیر کمیته آلمان بود. و از کنگره ۳ حزب کمونیست کارگری ایران عضو کمیته مرکزی این حزب بود.

در سال ۲۰۰۴ همراه اکثریت اعضای کمیته مرکزی با امضا بیانیه جدایی از حزب کمونیست کارگری، از کادرهای اصلی بنیانگذاری حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است. در کنفرانس اول و کنگره اول حزب حکمتیست به عضویت کمیته مرکزی انتخاب و با تشکیل حزب حکمتیست تا پلنوم هفتم این حزب در موقعیت عضویت در دفتر سیاسی، و کمیته رهبری و تا کنفرانس دوم تشکیلات خارج از کشور دبیر کمیته خارج از کشور حزب حکمتیست بود.

رفقای کارگر! خوانندگان گرامی!

جمعبندي و گردآوری، جنبش اول مه در شهرهای کردستان، بمنظور مروری تاریخی و در دسترس قرار دادن تجارب مراسمهای اول مه در این کتاب، انجام گرفته است.

بررسی تاریخ معاصر و اجتماعی کردستان ایران، امروز با بررسی هایی که احزاب ناسیونالیست بنا به منافع طبقاتی و بورژوازی در این مورد ارائه داده اند ضروری است. و این کار را جنبش کمونیسم کارگری باید در مقاطع مختلف تاریخ معاصر کردستان پیش ببرد

در اختیار قرار دادن ادبیات تاریخی جنبش کارگری بویژه از زبان کارگران و فعالین کمونیست، و با شیوه مستند یا خاطره نویسی بخشی از این امر است. در این جهت کتاب حاضر سعی کرده از زبان رهبران و فعالین جنبش کارگری در کردستان، و از زاویه مبارزه طبقاتی کارگران حرکات اول مه در کردستان را که از دو دهه پیش با انقلاب آغاز شده است بررسی کند.

کارگران کردستان برای داشتن درک روشن از آرایش سیاسی فی الحال موجود جامعه و پیشینه تقابل کمونیسم کارگری و جریانات بورژوازی، لازم است با تاریخ جنبش طبقاتی خود آگاه باشند. ضرورت این مساله با توجه به نیاز مبرم تر نسل جوان به این دانش تاریخی روشن تر میشود.

در تهیه و ادیت این کتاب رفیق قدیمی و صمیمی ام فاتح شیخ
الاسلامی مرا یاری کرده است که دستش را به نشانه قدردانی
میفشارم.

شهریور ۱۳۷۸ (سپتامبر ۱۹۹۹)

جنبش اول مه

یک سنت رادیکال جنبش کارگری در کردستان

فاتح شیخ

رفیق قدیمی و صمیمی ام نسان نودینیان از من خواسته مقدمه ایی
بر کتابش در باره جنبش اول مه در کردستان بنویسم. بخاطر این
دعوت شیرین از او تشکر میکنم و بخاطر کار ارزشمند نوشتن

این فصل از تاریخ جنبش کارگری در کردستان، دستش را به گرمی می‌فشارم. هنگام خواندن پرینت کتاب، با تجدید خاطره عزیزانی که نامشان، فعالیتشان و جان باختنشان در راه آرمان سوسیالیستی در این کتاب ثبت شده و همچنین با خواندن صفحاتی که اول مه سالهای ۶۶، ۶۷، و ۶۸ سندج و مراسمهای شورانگیز و آتش افروزیها را تصویر میکند، بارها اشک در چشمانم جمع شد.

برگذاری روز جهانی کارگر در کردستان ایران، بخشی از یک جنبش رادیکال کارگری از مقطع انقلاب ۵۷ ایران به این سو در این جغرافیای سیاسی است که مشخصه آن در دو دهه اخیر، حضور فعال و نفوذ اجتماعی گسترده یک کمونیسم پیگیر، در تقابل نه فقط با رژیم اسلامی سرمایه بلکه همچنین با جنبش سنتی ناسیونالیسم کرد بوده است.

پروژه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، راجع به تدوین تاریخ معاصر کردستان به روایت کمونیستها، تاکنون با استقبال قابل توجهی روبرو شده و از جمله تعدادی از اعضای کمیته کردستان عملاً دست بکار تحریر بخشهایی از این تاریخ شده اند. یک اولویت این پروژه، توجه ویژه به جنبش اول مه سندج در سالهای ۱۳۶۸..... تا ۱۳۶۴ بود. کتاب حاضر از آنچه در نظر داشتیم فراتر رفته و علاوه بر جنبش اول مه سندج،

جلوه هاي اين جنبش در ساير شهرها و مناطق كردستان از نرده و اشنويه و مهآباد و بوكان و سقز و بانه تا مريوان و اورامان و ژآورود و كامياران را هم در بر گرفته است. با اينكه تصوير كتاب از جاگير شدن اين سنت جهاني كارگري در مقطع معيني از حيات طبقه كارگر در كردستان به حد كافي زنده و گوياست، هنوز جا دارد در باره جاگاه آن در پروسه تكوين طبقه كارگر و جنبش راديكال كارگري در كردستان، و در باره نقش كليدي سنت كمونيستي كارگري در اين مرحله، بيشتر گفته شود.

آنچه قبل از هر چيز لازم به تاكيد است اينكه جنبش كارگري و كمونيستي در كردستان ايران يك جنبش اجتماعي است كه ملزومات شكل گيري و عروج آن طي دهه هاي اخير كاملا قابل درك و شناخت است. تلاش ما و همه فعالين اين جنبش براي بر جسته كردن اين واقعيت تاريخي خود جزئي از اين پروسه و تقويت و گسترش دامنه اجتماعي آن است. جريانات ناسيوناليستي كرد همواره كوشيده اند وجود اجتماعي يك جنبش و يك جريان كارگري و كمونيستي زنده و پويا در كردستان را انكار كنند و از جامعه كردستان تصويري روستائي و عقب مانده و حتي ماقبل سرمايه داري رسم كنند كه در آن مبارزه طبقاتي اي در جريان نيست و آنچه هست صرفا يك جنبش ملي خودمختاري طلبانه است و بس! در ترسيم اين تصوير عقب مانده و غير واقعي، جريانات ناسيوناليست كرد دست تنها نيستند بلكه انبوهي از كردشناسان و “محققان” محط آكادميك غرب نيز مبارزه طبقاتي و نقش طبقه كارگر و جنبش كمونيستي آن در تحولات سياسي جامعه كردستان را انكار ميكنند و يا ميكوشند آن را فرعي و در حاشيه جامعه نشان دهند. متأسفانه هستند “چپ” هائي نيز كه اگر روزگاري به

این جنبش بالیده اند، امروز با ارکستر بورژوازی همصدا شده اند تا صدای جنبش طبقاتی کارگران در کردستان شنیده نشود و خواب “وحدت ملی” شان را آشفته نکند.

انکار نقش مبارزه طبقاتی طبقه کارگر البته خاص بورژوازی تازه به دوران رسیده کردستان نیست، بلکه پدیده‌ای جهانی است که طی دو سه دهه اخیر یک کمپین گسترده بورژوازی جهانی و خیل بیشماري از اردوي آکادمیک در هزاران دانشگاه و “موسسه پژوهشی” پشت بند آن بوده است. آنچه ویژگی کردستان است از یک سو آمیختگی این مساله با وجود یک جنبش ملی است، که به بورژوازی ناسیونالیست امکانات فوق برنامه‌ای در تلاش برای خفه کردن صدای کارگران داده است، و از سوی دیگر وجود یک جریان روشن بین کمونیستی کارگری است، که بطور روزمره خرافات ناسیونالیستی را افشا و از استقلال طبقاتی کارگران کردستان در مبارزه برای رهائی از بردگی سرمایه، رهائی از رژیم اسلامی سرمایه و رهائی از ستم ملی جاری بر مردم کردستان دفاع کرده است. به حکم این ویژگی، نفس دادن تصویری واقعی از جنبش کارگری و گرایش کمونیستی درون آن، در برابر حاشا کردن جریانات بورژوائی ناسیونالیست و آکادمیک از آن خود جزئی از مبارزه طبقاتی جاری در کردستان است.

در عین حال شناخت جایگاه جنبش اول ماه مه سنج و در کردستان ایران علل العموم، که موضوع این کتاب است، فی نفسه

بخشي از خودآگاهي طبقاتي کارگران نیز هست که تلاش براي بازتوليد آن يك عرصه تعطيل ناپذير کمونيستي ما در کردستان است. اگر در اول ماه مه سال ۵۸، کارگران نهال اين سنت جهاني را در کردستان، جامعه بلافصل و محيط مستقيم کار و زندگي خود، کاشتند و بارآور کردند، اگر در جريان جنبش اول مه سنندج طي سالهاي متوالي در دل اختناق اسلامي، سنت ها و شعير انترناسيوناليستي و کمونيستي را در مراسمهايشان تثبيت کردند طوري که امروز، بطور مثال “سرود انترناسيونال” يك شاخص هويت طبقاتي کارگران کردستان شده است، وظيفه هر فعال کارگري، هر فعال کمونيست اين جنبش، زنده نگهداشتن و بازتوليد اين سنتها بر متن يك خودآگاهي جامع طبقاتي است. بايد تضمين کنيم که چنان نشود که کارگران روز اول مه فریاد آزادي و برابري سر دهند اما روز تعيين تکليف قدرت سياسي در جامعه، دست روي دست بگذارند و يا دنباله رو جريانات بورژوايي شوند. کتاب حاضر تلاشي در اين زمينه است.

و در آخر يك نکته کوتاه در باره جايبگاه جنبش اول مه سنندج در پروسه شکل گيري يك جنبش راديکال کارگري در کردستان، واقعيت اين است که سرمايه داري از آغاز يك نظام جهاني بوده که قدم به قدم به اقصي نقاط کره زمین گسترش يافته و هر جا که رسیده تقابل کارمزدی و سرمايه، تقابل بورژوازي و پرولتاریا را علاوه بر مقياس جهاني در مقياس محلي هم شکل داده است. به همین اعتبار، تکوين طبقه کارگر و تسري آگاهي طبقاتي هم امري جهاني است، بطور مثال زماني که هنوز مناسبات فنودالي بر کردستان تسلط کامل داشت، بوده اند کارگراني که در جريان مهاجرت به روسيه با حزب بلشويک و انقلاب اکتبر آشنائي پيدا

کرده و در بازگشت بذر آگاهی طبقاتی را با خود آورده و برای انتقال آن به توده محروم جامعه تلاش کرده اند. ولی در غیاب یک اردوی وسیع کارمزدی در محل، این تسری آگاهی طبقاتی جهانی چه از طریق کارگران مهاجر و چه از طریق فعالین و جریان‌ها چپ و کمونیست نمیتوانست به یک حرکت دارای وزنه اجتماعی موثر تبدیل کند.

علاوه بر مهاجرت کارگران از کردستان به مناطق دور و نزدیک ایران و منطقه، این پروسه اصلاحات ارضی بود که با حلح ید گسترده، جمعیت وسیعی از کارگران مزدی در کردستان ایجاد کرد که مبنای مادی - اجتماعی موجودیت طبقه کارگر و آرمانهای برابری طلبانه و سوسیالیستی این طبقه قرار گرفت. با اینهمه، نفس وجود اردوی کارگر مزدی هم برای شکل‌گیری بلافاصله یک طبقه کارگر خودآگاهی کافی نبود، این سیر عینی تاریخ جامعه و تحولات سیاسی دو دهه اخیر بود که پروسه تکوین طبقه کارگر در کردستان رابه شکلی که هم اکنون هست ممکن و میسر گردانید.

نقطه عطف بزرگ این تاریخ عینی، انقلاب سال ۵۷ بود و تحولات سیاسی مهمی که در کردستان به طی شدن مراحل بعدی این پروسه کمک کرد اساساً مدیون وجود یک گرایش نیرومند کمونیستی و تقابل پیگیر و قاطعانه اش، هم با رژیم اسلامی سرمایه و هم با جریان بورژوا ناسیونالیسم درون جامعه کردستان بود. در اینجا مجال اشاره کردن به وجوه گوناگون این رویارویی تاریخی نیست، این کار را من و شمار دیگری از کادرهای حزب کمونیست کارگری در نوشته‌های دیگر کرده ایم، آنچه در ارتباط

با موضوع کتاب لازم به تذکر است اینست که جنبش کارگري در کردستان از فضاي باز ناشي از انقلاب براي بمیدان آمدن و طرح شماری از فوریتريين خواسته هایش استفاده کرد، اما لشکر کشي جمهوري اسلامي علاوه بر قيچي کردن آن روند، فضا را براي عروج ناسیونالیسم کردمساعدا کرد، اما کارگران آگاه و مبارز از فعالیت آشکار و پنهان خود براي ابراز وجود در شرایط نامساعد بعد از لشکرکشي رژیم و گسترش ناسیونالیسم دست نکشیدند و سر انجام در مقطع معيني با اتکا به حضور يك نیروي کمونيستي با نفوذ و مسلح در برابر رژیم و حزب بورژوا ناسیونالیست در منطقه، توانستند خفقان رژیم اسلامي را بشکنند و ابراز وجود طبقاتي خود را به سطح علني بکشانند. جنبش اول مه سنندج طی چندین سال ظرف چنین ابراز وجود طبقاتي راديکالي بود که در عين حال مهر آرمانها و سیاستهاي سوسیالیسم راديکال و کارگري را بر خود داشت.

به این اعتبار و به اعتبار فعالیت گرایش راديکال کمونيسم کارگري در صفوف طبقه کارگر در کردستان و به یمن شفافیت بخشیدن هر چه بیشتر به برنامه و سیاست کارگري طی سالهاي اخير، میتوان مقطع جنبش اول مه سنندج و تشکیل و فعالیت تشکل کارگري راديکال “اتحادیه صنعتگر” سازماندهي برگزاري مراسمهاي توده اي و علني اول مه طی چند سال متوالي، تثبیت سنتها و شعایر انترناسیونالیستي در این مراسمها و طرح مطالبات اساسي و راديکال در قطعنامه هاي تاريخي آن را، مقطع تکميل پروسه شکل گيري يك جنبش راديکال کارگري در کردستان ایران دانست. اهمیت این دوره بندي در اینست که کارگران کردستان و بویژه رهبران و فعالين خواه نسل فعال در انقلاب ۵۷ و بعد و خواه نسل جدید فعالين کمونيست و کارگر، از دستاوردهاي آن،

بعنوان مبنای اعتماد بنفس طبقاتی و هویت طبقاتی خود و بعنوان سکوی پرش در جهت متحد کردن هر چه گسترده تر صفوف خود برای دست بردن به قدرت سیاسی در جریان تحولات سیاسی جاری و آتی استفاده کنند.

نسان نودینیان با نوشتن کتاب حاضر و ثبت فاکتهای این جنبش رادیکال و گسترده، یک ابزار اجتماعی در این جهت، در اختیار جنبش کارگری و فعالین کمونیست در کردستان قرار داده است.

فصل دوم

۱. جنبش اول مه سندج ۱۳۶۸ . ۱۳۶۴

۲. جنبش اول مه سندج ۱۳۷۵ . ۱۳۶۹

۱. جنبش اول مه سنندج ۶۸. ۶۴

برگزاری وسیع اول مه در طی پنج سال ۶۸. ۶۴ در شهر سنندج که در ابعاد هزاران نفره و بطور علنی و شامل برنامه های متعدد برگزار میشد يك جنبش معین بود که نقش مهمی در شکل دادن به جنبش رادیکال کارگری کردستان ایفا کرده است.

اول ماه مه سال ۱۳۶۴

دهم اردیبهشت یکروز قبل از اول ماه مه دولت سومین پیش نویس قانون کار را منتشر میکند. این پیش نویس نسبت به پیش نویسهایی قبلی حاکی از عقب نشینی رژیم بود. ملزم کردن همه کارفرمایان به اجرای آن، مرخصی سالیانه، فصل مربوط به زنان و مهمتر از همه تعطیلی اول ماه مه، تغییراتی بود که در این پیش نویس انجام گرفته بود. تحمیل تعطیلی اول ماه مه به یکی از هارترین رژیمهای حافظ منافع سرمایه قبل از هر چیز نشانه حضور قدرت اجتماعی کارگران در انقلابی بود(انقلاب ۵۷) که این رژیم خود را به آن منسوب میکرد و مشروعیت خود را از آن می گرفت.

در کردستان اول ماه مه ۶۴ از نقطه نظر وسعت حرکات کارگران و شرکت توده های وسیع کارگری در این روز بی سابقه بوده است. در بسیاری کارخانه ها کارگران کار را تعطیل

کردند، مراسم دولتي را تحریم کردند و در مواردی هم مجمع عمومی و یا اجتماعات مستقل خودشان را تشکیل دادند. و درباره خواستها و مطالباتشان صحبت کردند.

در سنندج، شهر به حالت نیمه تعطیل درآمد. روز دهم اردیبهشت مردم دسته دسته در کوچه ها و خیابانها به هم میرسیدند و میگفتند فردا روز کارگر است و کار تعطیل است.

در روز اول ماه مه کارخانه ها و کارگاه های بزرگ و کوچک تعطیل شدند و مغازه های زیادی به حال تعطیل درآمد. صنایع فلز و کمد سازیها، جوشکاریها، آلومینیوم سازان، صنایع چوب بری در این روز تعطیل بودند.

تعدادی از کارگران شرکتهای دولتی مانند مخابرات و شهرداری در این روز بر سر کار حاضر نشدند.

کارگران شهر سنندج در این روز ضمن برگزاری دید و بازدید از منازل یکدیگر در جمع خانواده های کارگری، روز اول مه را به همدیگر تبریک میگفتند. و جشن می گرفتند.

روشن کردن آتش به مناسبت اول مه

به مناسبت اول مه هنگام شب برفراز قله کوه آبیدر که مسلط بر شهر سنندج است و نیز بر روی گردنه صلوات آباد، توسط کارگران آتشیایی به نشانه گرامیداشت روز کارگر افروخته شد که تا پاسی از شب همچنان روشن بود. با این ابتکار سمبلیک، شور و امید درخشانی در شب تیره ارتجاع جمهوری اسلامی در دل توده کارگر و زحمتکش و مردم انقلابی بر افروخته میشود.

در کارخانه پوشاک سنندج رژیم در سالن غذاخوری این کارخانه مراسم روز کارگر بر پا کرد. در این مراسم تعدادی محدود و آنهم از کارفرمایان و حسابداران شرکت کردند. و عملاً از طرف کارگران تحریم شد.

در کارخانه شاهو سنندج کارگران تراکت پخش کردند، و در این روز استاندار کردستان به کارخانه شاهو میرود، اما به محض ورود به سالن کارخانه کارگران آنجا را ترک میکنند.

در ساعت سه بعدازظهر کارگران، روز کارگر را با برپایی جشن و تبریک گفتن به همدیگر گرامی داشتند. و این مراسم چنانکه خواهیم دید سنگ بنای مراسم های باشکوه تر سالهای بعد میشود.

در روز اول ماه، کارگران خباز سندج در محل اتحادیه خبازان جشن اول ماه را برگزار میکنند. و ضمن تبریک گفتن اول ماه در میان خودشان شیرینی، پخش میشود و کارگران در مورد مسائل اتحادیه و شرایط مختلف کار به بحث و گفتگو می نشینند.

مراسم جوانان شهر در اول ماه مه

جوانان خانواده های کارگری محلات فقیر نشین شهر سندج، گلشن، کانی کوزه له، و... تصمیم به برگزاری جشن اول ماه مه میگیرند. جمعی از آنان دور هم جمع شده و درباره اهمیت روز کارگر صحبت میکنند. قول و قرار میگذارند که از طریق شعار نویسی در محله و دبیرستان، و تکثیر اعلامیه و تراکت، پخش شیرینی و بالاخره تعطیل کردن دبیرستان در آن روز (چهارشنبه) به سهم خود جشن جهانی طبقاتی شان را برگزار نمایند. برای برگزاری اول ماه تقسیم کار میکند. پدران و مادران خود را در جریان می گزارند. و از آنان کمک می گیرند. و در جلسات بعدی

خود بقیه ترتیبات کار را تنظیم میکنند و سرانجام محله و مدرسه را از اعلامیه و تراکت و شعار پر میکنند. نها روز ۱۱ اردیبهشت درمدرسه شیرینی پخش میکنند و علیرغم مقاومت مدیران، مدرسه را تعطیل میکنند و به دید و بازدید خانوادگی و بحث روی اهمیت روزکارگر در این دیدارها پرداختند.

اول ماه مه سال ۱۳۶۵

در سنج مراسم دولتی روز کارگر با بی اعتنایی کارگران و ناکامی آشکار رژیم همراه بود. در این شهر رژیم از قبل اجرای تاکتیک عمومی و اعلام شده اش یعنی رژه نظامی و اعزام به جبهه را از دستور خارج کرده بود و از آن خبری نبود.

سنج

از نمونه های برجسته برپایی اجتماع مستقل کارگری با شرکت بخش های هر چه وسیعتر کارگران، اقدام کارگران شهر سنج، گردهمایی مشترک آنها در کارخانه پوشاک و برگزاری مراسم اول مه در چندین نقطه و محله شهر بود. در روز اول ماه مه کار عمدتا تعطیل شد. مراسم دولتی تحریم گردید. کارگران کارخانه ها، کارگاه ها، اصناف و کارگران بیکار، اجتماع مشترکی در سالن کارخانه برپا داشتند. و طی آن از خواستها و مطالبات کارگران و از عزم و اراده طبقه کارگر برای رهایی صحبت

کردند. در اول مه ۶۵ فضاي شهر سنندج خبر از تعطيل و جشن کارگران میداد.

از چند روز قبل از اول مه، فرا رسيدن روز کارگر در سنندج كاملا مشهود بود. کارخانه ها، کارگاهها، ميادين کار و بين کارگران ساختماني و صفوف مختلف، همه جا صحبت از چگونگي برگزاري اول ماه مه بود. شعارهاي اول مه بر در و ديوار نقش مي بست.

رژيم سرکوبگر جمهوري اسلامي از چند روز قبل از اول مه بر تعداد نيروهاي نظامي و انتظاميش در سطح شهر افزوده بود. روز سه شنبه ۹ ارديبهشت نمايندگان کارگران به اداره کار مراجعه کردند و سالن کارخانه پوشاک را براي برپايي جشن مستقل کارگران در اختيار گرفتند. طي اطلاعيه هايي از سوي چند تشکل کارگري که تا روز مراسم وسيعا در سطح شهر پخش ميشد، مکان و زمان مراسم به اطلاع کارگران ميرسيد. بعدازظهر اول مه کارگران کارخانه هاي شاهو و پوشاک بهمراه گروههايي از کارگران کارگاههاي مختلف، کارگران اصناف، کارگران ساختماني و کارگران بيکار مراسم مستقل خود را برپا کردند. در اين اجتماع که حدود ۲۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، چند نفر از کارگران درباره روز جهاني طبقه کارگر و خواستها و مطالبات کارگران سخنراني کردند. در پايان اين مراسم قطعنامه اي از سوي کارگران صادر گرديد و بتصويب رسيد.

برگزاری اول ماه مه ۱۳۶۵ در مراکز تولیدی سنندج؛

تحریم مراسم دولتی!

اداره کار و امور اجتماعی سنندج بمناسبت روز کارگر مراسمی در سالن کارخانه پوشاک برگزار کرده و کارگران شاهو را نیز با اجبار و تهدید در این مراسم گرد آوردند. در این مراسم دوتن از مزدوران رژیم، “عطایی” (نماینده مجلس) و “موسوی” (نماینده خمینی در غرب کشور) سخنرانی کردند. کارگران در این مراسم از خوردن شیرینی خودداری کردند و عملاً در این مراسم با بی تفاوتی شرکت کردند.

در سنندج کارگران کارخانه شاهو و پوشاک و تعدادی از کارگاههای تولیدی از قبل تصمیم گرفته بودند که مراسم مستقل خود را در گرامیداشت اول ماه مه برپا دارند. ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه کارگران مجدداً در سالن کارخانه پوشاک تجمع خود را ایجاد کرده و این روز را بیکدیگر تبریک گفتند. نماینده اداره کار هم در این مراسم حضور داشت. و قرار بود اول او سخنرانی کند. او با دعا و مساله جنگ شروع کرد. و گفت؛ “ما نباید در این شرایط خواستههای کارگری را مطرح کنیم.” در حین سخنرانی نماینده اداره کار صحبتهای او از طرف کارگران تحریم شد. کارگران با سوت زدن مزاحم سخنرانیش بودند و نگذاشتند سخنرانیش را تمام

کند. بعد چند تن از کارگران شرکت کننده در این مراسم سخنرانی کردند. اما پس از تحریم سخنرانی نماینده اداره کار، مزدوران میکروفون سخنرانی را قطع کردند. کارگر سخنران گفت؛ “کارفرماها و اداره کار تحمل شنیدن صحبت‌های کارگران در پشت میکروفون و باصدای بلند ندارند، اما ما کارگران صدایمان بلندتر از میکروفون است و استوار و با قامت بلند و با طنین تمام حرف‌هایمان را می‌زنیم”. سپس یکدقیقه سکوت از طرف این کارگر اعلام شد و گفت؛ “سنت کارگران خواندن دعا نیست. بلکه دقیقه ای سکوت بخاطر کارگران جانباخته است”. این رفیق کارگر با اشاره به جنگ ایران و عراق گفت؛ “این جنگ جنگ ما نیست و ما در اول مه خواست‌هایی داریم، طبقه کارگر امروز در تمام دنیا جشن جهانی اش را می‌گیرد. و کار را تعطیل می‌کند. ما هم حق داریم که خواست‌هایمان را مطرح کنیم”. یکی دیگر از کارگران در صحبت‌هایش گفت؛ “ما کارگران وقتی رها می‌شویم که قدرت را بدست بگیریم، فکر کنید! ما ناچاریم بدلیل فقر و محرومیت بچه‌های ۵ساله مان را برای کار به زیر دست صاحبکاران روانه کنیم. در کمترین سن بدنشان فرسوده می‌شود. از سواد محروم می‌مانند، امکانات زندگی نداریم و زندگی برای ما مرگ شده است. ما راهی جز مبارزه در راه نابودی سرمایه نداریم. رفقا! بیایید دست بدست هم دهیم و متحد شویم!”

این مراسم تا ساعت ۴ بعدازظهر ادامه داشت. سرانجام کارگران شرکت کننده در مراسم قطعنامه ای نیز صادر کردند که در قطعنامه این مطالبات را مطرح کردند:

۱. برسمیت شناختن تعطیلی روز جهانی کارگر از طرف دولت.

۲. بیمه بیکاری.

۳. اجرای تصویب پیش نویس قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی کارگران.

مراسم با شعار اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد! پیش بسوی انقلاب، خاتمه یافت.

کارگران شهرداری سنندج در اول مه کار را تعطیل کردند و بخانه دوستان کارگر خود رفتند و راجع به روز کارگر و مسائل خود بحث و گفتگو کردند.

در تعدادی از محلات شهر سنندج در این سال گرامیداشت اول ماه مه با برپائی جشن و سرور روبرو بود. در این مراسمها، کارگران روی بسته های شیرینی نوشته بودند؛ گرامی باد ۱۱

اردیبهشت روز همبستگی کارگران! محرومان جهان متحد شوید!
کارگران جهان متحد شوید! زبده با حزب کمونیست ایران!

مراسم اول ماه مه سال ۱۳۶۶

يك اوج با شكوه در جشن اول مه سنندج

شمسي محمدي كارگر قاليباف و فعال برپايي مراسمهاي اول مه در مورد مراسم ماه مه ۶۶ چنین میگوید؛ “در این سال دو ماه قبل از اول مه ۶۶ هیئت برگزاری اول مه تشکیل شد. برای پیشبرد امور اول مه، سازماندهی لازم در عرصه های زیر تدارك دیده شد. چند نفر برای سخنرانی آماده شدند. و هیئتی برای مذاکره با اداره کار و مساله محل مراسم، انتخاب شدند. چند نفر هم مسئول كمك مالي شدند. چند نفر از کارگران مسئول ارتباط با تشکلهای کارگری و تهیه قطعنامه شدند. متن نهایی قطعنامه اول مه در مجمع عمومی هیئت برگزار کننده، نوشته شد و به تصویب رسید. در مورد ارائه قطعنامه به مراسم اول مه دو گرایش وجود داشت؛ یکی گرایش قانونگرا بود که در رابطه با مساله جنگ ایران و عراق نظر داشت، و میگفت که نباید ما جنگ ایران و عراق را محکوم کنیم. و در مورد مساله آزادی برابری حکومت کارگری مساله داشتند. و سوم، بدلیل اینکه ماه رمضان بود و میگفتند،

برای اینکه رژیم به مراسم ما حساس نشود، پیشنهاد بکنیم که زنان کارگر در این مراسم شرکت نکنند!! و این گرایش قانونگرا در مورد يك دقیقه سکوت در شروع برنامه مخالف بودند و میگفتند، يك دقیقه سکوت رژیم را حساس میکند، در تقابل با این نظر گرایش رادیکال و کمونیستی اصرار داشت که يك دقیقه سکوت سنت جنبش کارگری در اول مه است، و همین ایده را نیز پیش برد. در مقابل این گرایش قانونگرا، گرایش ما، گرایش کمونیسم کارگری وجود داشت، گرایش کمونیسم کارگری خیلی قوی بود و در هدایت و رهبری مراسمی اول مه دست بالایی داشت.”

يك هفته قبل از اول مه به اتحادیه ها و تشکلهای کارگری از جمله اتحادیه خبازان، اتحادیه گرمابه ها، قنادها، برای شرکت در اول مه مراجعه کردیم. این اتحادیه ها و کارگران در مراسم ما شرکت نکردند و خودشان در مراسمی محلی در محل کار و محافل کارگری روز اول مه را گرامیداشتند. کارگران شرکت نساجی کردستان در مراسم مرکزی ما شرکت داشتند و در مراسمی که در محل کار هر ساله برگزار میکنند، نیز شرکت کردند. در مورد محل مراسم، ما با اداره کار مشکل داشتیم. آنها در کار ما کارشکنی حساب شده ای کردند. تلاش آنها این بود که به ما محل مراسم ندهند و این لجابت و دشمنی را تا روز اول مه ادامه دادند. در روز مراسم خودمان پاساژ عزتی را تصرف کردیم و مراسم را گرفتیم.

و البته سنتی جا افتاده در میان فعالین اول مه وجود داشت، آنهم

این بود که بعد از مراسم اول مه، فعالین اول مه و هیئت برگزار ی اول مه، جلسه ای گرفتیم و مراسم و جزئیات کار را مورد بررسی قرار دادیم. این نوع کارها باعث میشد، سال بعد با چشم بازتری برای تدارک اول مه برویم. این را هم اضافه کنم که زنان بخش زیادی از شرکت کنندگان را تشکیل میدادند. و خودشان دلسوزانه برای برگزاری اجتماعات اول مه پول جمع میکردند. و یا در تبلیغ و تدارک آن شرکت میکردند. و حتی در سال ۶۸ یکی از زنها سرود خواند و سایرین او را بسیار تشویق کردند. من خودم در سال ۶۶ خواهان این شدم که سخنرانی کنم. اما گفتند که این کار خطرناک است مورد حمله جمهوری اسلامی قرار میگیریم. جمهوری اسلامی نمی تواند حضور زنان را در اجتماعات عمومی تحمل کند. نماینده وزارت کار گفته بود که حتی باید در سالن پرده کشیده شود تا زنها و مردها همدیگر را نبینند. بعضی از افراد محافظه کار در هیات برگزاری جشن اول مه موافق این بودند که بخاطر "امنیت" اجتماع به این خواست جمهوری اسلامی باید گردن گذاشت. اما اکثریت اعضای هیات برگزاری به تهدیدهای جمهوری اسلامی اهمیت ندادند.

مراسم مرکزی و میتینگ بزرگ کارگران در پاساژ عزتی!

در فاصله هشتم تا یازدهم اردیبهشت ماه، شهر سنندج شاهد جنب و جوش تدارک کارگران و زحمتکشان این شهر برای برگزاری هر چه باشکوهتر اول مه بود. در روز ۱۱ اردیبهشت سیمای شهر بکلی دگرگون شده بود. جنب و جوش کارگران و مردم شهر

و توده های ستمدیده از بعدازظهر این روز شروع شد. کارگران و مردم شهر دسته دسته بطرف نقاط برگزاری اجتماعات و گردهمایی ها در حرکت بودند. بزرگترین اجتماع کارگران با جمعیتی بالغ بر هزار نفره در ساعت دوبعدازظهر در پاساژ عزتی برگزار شد. این مراسم با يك دقیقه سکوت بیاد کارگران شیکاگو و دیگر کارگران جانباخته شروع شد و سپس پیام هیئت برگزاری مراسم قرائت گردید. آنگاه یکی از کارگران در مورد ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری و نیز ضرورت شرکت زنان در همه شئون اجتماع پا به پای مردان، به سخنرانی پرداختند. بعد از شنیدن چند ترانه و موسیقی یکی دیگر از کارگران در مورد تاریخچه روز جهانی کارگر، سخنانی ایراد کرد. در مورد کار طاقت فرسا و ضرورت کاهش ساعت کار و نیز ممنوعیت کار برای کودکان و آماده نمودن تسهیلات لازم برای پرورش فرزندان کارگران مانند بهداشت و درمان به تفصیل سخن گفت. پس از سخنان این کارگر، رفیق کارگر دیگری در مورد بیمه بیکاری و نبود امنیت شغلی در کارگاههای خصوصی سخنرانی کرد. این کارگر در ادامه سخنانش اضافه نمود که جنگ و سربازی باعث شده که کارفرماها بویژه در کارگاههای کوچک هر چه بیشتر و شدیدتر کارگران را استثمار کنند و کارگر نتواند هیچ اعتراضی کند. وی گفت؛ “جنگ ایران و عراق باعث تشدید مشقات بر کارگران شده به بهانه این جنگ ویرانگر بیکاری و گرانی مالیاتهای گزاف به عناوین گوناگون، کمبود مواد اولیه که باعث سلب امنیت از زندگی مردم شده بیش از پیش گسترش یافته است. ما کارگران و مردم خواستار قطع جنگ هستیم.” که این شعار از طرف حاضرین چند بار تکرار گردید. حاضرین با تایید این سخنان با شور و شوق فراوان کارگر سخنران را تشویق کردند. پس از آن نمایشنامه ایی از طرف کارگران بر روی

صحنه آمد. در طول مراسم شعارهایی چون “بیمه بیکاری برای کارگران” و “کارگران جهان اتحاد! اتحاد”، “چاره رجب‌ران اتحاد اتحاد”، “جنگ ایران و عراق جنگ سرمایه داران است” از طرف حاضرین مداوم تکرار می‌گردید.

در پایان مراسم قطعنامه‌ای در ۱۷ ماده قرائت شد که مورد تأیید و تصویب کارگران شرکت کننده قرار گرفت.

در خلال این مراسم چای و شیرینی، پخش گردید و در بسته‌های شیرینی اتیکتهایی مناسب روز کارگر نصب گردیده بود.

مراسم در ساعت ۶ عصر با شعارهای کارگری و انقلابی شادباش و تبریک این روز شور و شوق فراوان به پایان رسید.

سنندج: کارخانه پوشاک

کارگران کارخانه پوشاک سنندج که بیشتر آنها کارگران زن هستند

در اجتماع مستقل اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند و چند نفر از کارگران بمناسبت این روز اتحاد جهانی طبقه کارگر سخنرانی کردند. کارگران در این سخنرانی ها درباره دستمزد، بیمه بیکاری و همچنین تاریخچه اول ماه مه صحبت کردند. پس از سخنرانیها اجتماع اول ماه کارگران کارخانه پوشاک با پخش چای و شیرینی ادامه داشت. و کارگران درباره موضوعات مختلف از جمله جنگ ارتجاعی ایران و عراق و مصائب آن و بیکاری و گرانی صحبت کردند. مراسم و اجتماع مستقل کارگران کارخانه پوشاک سنندج در میان سرور و شادمانی کارگران پایان یافت.

سنندج: در کارخانه شاهو

علی رغم اینکه مدیریت کارخانه شاهو سنندج و همچنین اداره کار با برگزاری مراسم مستقل کارگران کارخانه شاهو بمناسبت اول مه، مخالفت کرده بودند، اما کارگران وقعی به تقلای مدیریت و رژیم نگذاشتند و روز کارگر را در درون کارخانه پوشاک در اجتماع مستقل شان گرامی داشتند.

اجتماع کارگران خباز در محل اتحادیه خبازان به مناسبت اول مه

کارگران خباز سنندج در اول مه، در محل اتحادیه خبازان به مناسبت روز کارگر تجمع میکنند. و روز جهانی کارگر را جشن میگیرند. در این روز به هم تبریک گفتند و چای و شیرینی صرف کردند.

همچنین در روز اول مه، کارگران شرکت ماد و کارگران مسکن و شهر سازی؛ در محل کار در مراسم مستقل کارگری روز اول مه روز جهانی کارگر را جشن گرفتند.

اجتماع کارگران دانشگاه رازی سنندج در روز اول مه

دانشگاه رازی سنندج، نزدیک به ۴۵۰ کارگر داشت که، در این سال در محوطه دانشگاه کارگران روز اول مه را جشن گرفتند، به هم تبریک گفتند و در مورد این روز به بحث و گفتگو پرداختند.

اجتماع و راهپیمایی زنان مبارز و انقلابی در گرامیداشت روز کارگر

سنندج: زنان مبارز و انقلابی در یکی از محلات شهر سنندج بمنظور گرامیداشت اول ماه مه اجتماع پرشور و با شکوهی ترتیب دادند و سپس دست به یک راهپیمایی زدند.

بعد از ظهر روز اول مه زنان مبارز و آزاده سنندج به سوی محلی در خیابان سیروس که از قبل برای گرامیداشت روز کارگر معین شده بود به راه افتادند. در این محل بیش از ۳۰۰ نفر از زنان انقلابی و کمونیست گرد آمده بودند.

محل برگزاری مراسم اول ماه مه با ستاره سرخ و تزئینات دیگر و عکس هایی از جانبباختگان سوسیالیسم آراسته شده بود.

مراسم زنان سنندج با پخش سرودهای انقلابی آغاز شد. سپس حاضرین درباره روز جهانی کارگر، همبستگی هر چه بیشتر در برابر رژیم اسلامی و فشارهای آن و هم چنین بر لزوم مبارزه علیه جنگ ایران و عراق صحبت کردند.

این مراسم در ساعت ۶ بعد از ظهر پایان یافت و زنان انقلابی و کمونیست سنندج به نشانه همبستگی با کارگران و به نشانه عزمشان در مبارزه برای رهایی دست به راهپیمایی به سوی خیابان فردوسی و میدان انقلاب زدند.

سنندج: محلات؛ حسن آوآاد، فرح، چهارباغ، غفور، شریف آوآاد، عباس آوآاد، کلکه جار در این محلات کارگران و مردم زحمتکش در اجتماعات مختلف جشن و گردهمایی های گرامیداشت روز کارگر را بر پا کردند.

سنندج؛ پیک نیک کارگران و مردم شهر سنندج در گرامیداشت اول ماه مه در خارج از شهر و مراسم بر افروختن آتش در ارتفاعات مسلط به شهر در خارج شهر سنندج در شب اول ماه مه و صبح روز اول یازده اردیبهشت اجتماعات پرشور و رزمنده ای در گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار گردید. در شب اول ماه مه با برافروختن آتش بر روی تمام کوهها و بلندی اطراف شهر سنندج و محلات مرتفع درون شهر آسمان سنندج خبر از جشن سرخ کارگران در روز بعد را میداد.

غروب روز دهم اردیبهشت ماه، در دامنه کوه آبیدر و قله مسلط بر جاده آسفالت پاسداران و مزدوران برای جلوگیری از برپایی آتشیهای ویژه اول مه که انتظار برافروختن آنرا داشتند آماده شده بودند و همه جا را تحت کنترل خود گرفته بودند؛ اما به محض آنکه هوا رو به تاریکی رفت، شعله های آتش یکی پس از دیگری سر برکشید و منطقه را روشن کرد. کارگران و مردم آزاده بر فراز کوه آبیدر آتشی به شکل عدد ۱۱ برافروخته بودند تا یادآور شود که فردا ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر است. در ساعت ۸ و ۱۰ دقیقه بر قله آبیدر بزرگ؛ در ساعت ۸ و ۲۰ دقیقه بر قله کوه کوچک ره ش؛ و در ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه بر فراز آبیدر کوچک همراه با خواند سرود انترناسیونال و سرودهای انقلابی آتش افروخته شد و به همراه آن پرچم سرخ به اهزاز درآمد.

بر فراز کوه آبیدر اجتماعی نیز گرد آمده بود و یکی از کارگران درباره لزوم اتحاد و همبستگی طبقه کارگر، درباره ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری سخنرانی کرد و با شعارهای زنده با اول مه، کارگران اتحاد، مراسم پایان رسید.

جدا از آتش افروزی بر فراز کوهها، در نقاط بلند درون محلات شهر نیز مانند تپه مشرف بر محله شریف آباد، محله غفور، تپه مشرف بر محله عباس آباد، قبرستان شیخان، قله حسن آباد، مرکز شهر و بطور کله همه نقاط مسلط شهر سنج آتش روشن گردید.

سرکوبگران جمهوری اسلامی نیروهایی به آنجا گسیل داشتند. اما در همانحال بر تپه کوچکی در برابر دادگاه انقلاب رژیم اسلامی در سنندج آتش دیگری در مرکز شهر روشن شد و مزدوران رژیم اسلامی را بیش از پیش سراسیمه کرد.

علاوه بر اینها بامداد روز ۱۱ اردیبهشت از ساعت ۴ جمعیت وسیعی از مردم سنندج بطرف کوه آبیدر براه افتادند. و در ساعت ۳ و ۴ دقیقه بامداد اول مه هنگام روشن شدن هوا با افروختن آتش های بزرگ فرا رسیدن سپیده دم اول مه را اعلام نمودند و در واقع از نخستین لحظات روز کارگر مراسم جشن و شادی با اجتماع رو به افزایش کارگران و مردم سنندج در پای کوه آبیدر آغاز شد.

مراسم اول ماه مه در سال ۱۳۶۷

سنندج: کارگران مبارز شهر سنندج از مدتها قبل در تدارك برگزاری ماه مه بودند و در اجتماعات متعدد خود در مورد چگونگی برپایی آن تصمیم گرفته و با اجرا اقدامات لازم، آمادگی کافی جهت برپایی مراسم کسب کردند. در این شرایط بود که رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی تبلیغات جنگی اش با براه انداختن چشتهای ثارالله جهت شکار جوانان به بهانه سربازگیری و بهانه های دیگر و ضد انسانی سعی در ایجاد فضاي رعب و

وحشت نموده بود تا بلکه روحیه مبارزاتی توده های کارگر و مردم مبارز را پایین آورده و از برگزاری مراسم مستقل کارگران جلوگیری کند. اما هیچیک از این اقدامات سرکوبگرانه نه تنها نتوانست سدی در مقابل ابراز وجود مبارزاتی کارگران و زحمتکشان باشند، بلکه خود به عاملی در افزایش تنفر و انزجار کارگران و توده های مردم مبارز تبدیل شده تا با برگزاری جشنهای باشکوه خود متحدانه جوابی قاطع به مانورهای ضد کارگری رژیم بدهند.

از چند روز قبل از ماه مه، سراسر شهر و محلات و مراکز کارگری آن، سیمای دیگری داشت که همگی حاکی از تدارک و کسب آمادگی برای برگزاری مراسم ماه مه بود. این اوضاع وحشت سرمایه داران و دم و دستگاه سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی را دوچندان کرده بود.

روز دهم اردیبهشت شهر بشدت نظامی شده بود و تمام نیروهای سرکوبگر اعم از کمیته، ثارالله، گشتهای مخفی موتور سوار در خیابان و کوچه و محلات دیده میشدند. اماکنی را که کارگران در آنجا جمع شده و با هم صحبت میکردند، زیر نظر گرفته و به هر کسی مشکوک شده او را میگرفتند. اما عکس العمل هوشیارانه کارگران این توطئه را خنثی میکرد.

نمایندگان کارگران از يك هفته قبل از روز اول ماه مه به اداره

کار مراجعه کردند تا جایی را جهت برگزاری مراسم در اختیارشان قرار دهند. اداره کار کارشکنی میکرد، اما کارگران با هوشیاری تمام دبیرستان رنج آوری را تصرف کرده و بعنوان محل مراسم اعلام میشود. بعد از معلوم شدن مکان مراسم، کارگران بفوریت تزئین و آماده نمودن سالن مراسم را شروع کردند. تراکتها و پوسترهایی کارگري و انقلابي در سالن نصب شد که بعضي از تراکتها چنین بودند. “کارگران جهان متحد شوید”، “ما کارگران سنندج پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران جهان اعلام میداریم”، “ما کارگران و زحمتکشان کردستان پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران و زحمتکشان فلسطین اعلام میداریم”، “چاره ستمدیدگان وحدت و اتحاد است”، “ما کارگران کردستان بمباران و موشک باران شهرها را محکوم میکنیم”، “زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگران” و تراکتی از طرف کارگران فصلي تحت عنوان “ما پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران جهان اعلام میداریم . کارگران فصلي” نیز به چشم میخورد. در اطراف تراکتها ستاره های سرخ نصب شده بود.

همچنین؛ قطعنامه ای در بیست ماده از جانب هیئت برگزار کننده اول ماه مه تهیه شده و قبلا در اجتماعي از کارگران مبارز و کمونیست مورد تائید قرار گرفته بود تا در مراسم اول ماه مه قرائت شود. مجري برنامه، سخنرانان، گروههای انتظامات، تئاتر و سرود و مراسم و مسئول پخش شیرینی و جمع آوری کمک مالی از جانب کارگران تعیین شده بودند.

با وجود تاخيري که آگاهانه از جانب اداره کار جهت معرفي مکان مراسم صورت گرفت و فرصت کمی جهت اعلام مراسم به کارگران و توده هاي مبارز شهر وجود داشت، ولي در همان فرصت کم کارگران با ابتکارات و شیوه هاي مختلف کارگران را از برپايي مراسم در دبیرستان رنج آوري (رازي سابق) مطلع نمودند. از ساعت ۱ بعداز ظهر یازدهم اردیبهشت تا ساعت ۳ کارگران و شرکت کنندگان در مراسم بطرف دبیرستان رنج آوري راه افتادند و در این فرصت هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان در آنجا جمع شدند.

مراسم از ساعت ۳ بعداز ظهر با خوشامدگويي به حاضرین از جانب مجري برنامه اعلام گردید. مراسم با سرود و يك دقیقه سکوت بياد کارگران جان باخته شيکاگو و همه رفقای کارگري که در حین کار جان خود را از دست دادند شروع شد. و حاضرین با احترام از جاي خود بلند شدند و سپس پیام هیئت برگزاری اول ماه مه خوانده شد. بعد يکي از سخنرانان در مورد ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطيلي متوالي در هفته صحبت نمود و سپس سخنران ديگري در مورد بیمه بيکاري برای کلیه افراد بيکار زن و مرد بالاتر از ۱۸ سال سخن گفت و در ادامه سرود و ترانه پخش شد. بعد از پخش چند ترانه سخنران سوم در مورد تاریخچه اول ماه مه و جانباختن کارگران شيکاگو صحبت کرد. با شنیدن چند ترانه يکي ديگر از سخنرانان در مورد مسئله بهداشت در کارگاهها و تفرقه اي که سرمایه داران و کارفرمایان در میان کارگران بوجود مي آورند سخنانی ایراد کرد. سخنرانان با تشويق گرم

شرکت کنندگان روبرو شده و در اثنا سخنرانی برایشان دست زده
میشد.

بعد از سخنرانیها، نمایشنامه ای بنام “شیرینی فروش” به روی
صحنه آمد و بعد تئاتر دیگری که کارگاه بلوک زنی را تصویر
میکرد که چگونه کارگران آنجا مشغول بوجود آوردن صندوق
مالی هستند، اجرا گردید.

نماینده ای از طرف اداره کار جهت شرکت در مراسم به محل
آمده بود که جرات حضور در میان کارگران را پیدا نکرد و در
طول مراسم در بیرون از محل مراسم بود. و با وجود آنکه در او
قصد سخنرانی داشت اما زمانیکه اوضاع را بروفق مراد خود
ندید از سخنرانی صرف نظر کرد و پیش از پایان مراسم آنجا را
ترک کرد. یکی از کارگران در همین رابطه گفت: “امروز روز
ما کارگران است و هیچ نماینده دولت و اداره کار نمیتوانند در این
مراسم دخالت کند و با صدای بلند گفت آنها جرات ندارند دردها و
مشکلات ما را بشنوند.

در قسمت پایانی برنامه قطعنامه ۲۰ ماده ای کارگران در اجتماع
قرائت شد و حاضرین با کف زدن آن را تأیید کردند.

بعد از خواندن قطعنامه گروه سرود نوجوانان سرود کارگري اول ماه مه (یه کی ئه یار) را به زبان کردی اجرا کردند. در جریان مراسم شیرینی تهیه شده از جانب کارگران که با کاغذ مخصوصی روی آن نوشته شده بود “روز جهانی کارگر را به شما تبریک میگوئیم” در میان شرکت کنندگان پخش شد. همچنین گروهی از کارگران که از قبل تعیین شده بودند، شیرینی را به محلات شهر برده و در آنجا پخش کردند. به این ترتیب مراسم در ساعت ۴۵ و ۵ دقیقه بعد از ظهر در میان شوق و شادی کارگران پایان رسید و کارگران با احساس پیروزی در برگزاری این میتینگ با شکوه به خانه های خود بازگشتند.

**مراسم بر افراشتن پرچم سرخ و آتش افروزی بر فراز کوه آبیدر
بمناسبت اول ماه مه**

بر بلندیهایی کوه آبیدر غروب ۱۰ اردیبهشت ماه پرچم سرخ برافراشته شد و در روز کارگر ۱۱ اردیبهشت در همانجا در محلی بنام “کانی ماماتکه” اجتماعی برگزار شد، که پس از سرود خوانی و سخنرانیها، در پایان مراسم جوانان به رقص و پایکوبی پرداختند، و در غروب روز اول ماه مه به افتخار اول ماه جشن جهانی کارگران ۹ حلقه آتش بر فراز بلندیهایی آبیدر و دامنه های مشرف بر شهر سنندج برافروختند.

مراسم در محلات شهر سنندج

علاوه بر میتینگ مدرسه رنج آوری از جانب کارگران در بسیاری از محلات کارگرنشین و خیابانها، در مراسمهای خانوادگی، محفلی و اجتماعات صدها نفری اول ماه مه را جشن گرفتند. از جمله این مراسمها در خیابانهای مردوخ، سیروس، محلات حاجی آباد، کانی کوزه له، گلشن، تق تقان و عباس آباد و شریف آباد و کانی ماماتکه آبیدر برگزار گردید. در بسیاری از این مراسمها کارگران با بردن گل و شیرینی به محلّهای برگزاری مراسم به یکدیگر تبریک میگفتند. با سرود خوانی و سخنرانیهای درباره روز اول ماه مه فلاکت و زندگی کارگران روز جهانی همبستگی کارگر را گرامی داشتند.

در یکی از دو مراسمی که عمدتاً دختران جوان و زنان با فرزندان خود در آنها شرکت کرده بودند علاوه بر شعر و سرود انقلابی و سخنرانی در باره اول ماه مه و زندگی کارگران در مورد رهائی زن و شرکت هر چه بیشتر زنان در مبارزه طبقه کارگر بحث و گفتگو شد.

مراسم اول ماه مه در سال ۱۳۶۸

جشن باشکوه اول ماه مه در سنندج

کارگران سنندج در سال ۶۸ همچون سالهاي پيش و آماده تر از گذشته به استقبال اول ماه مه ميروند. از چند روز قبل از اول مه جنب و جوشي تازه محلات کارگرنشين شهر را فرا گرفته بود. بحث حول اول مه و چگونگي برگزاري آن به بحث گرم همه محافل و اجتماعات کارگري تبديل ميشود. در تدارك گراميداشت اين روز اقداماتي در سطح شهر صورت گرفت. تراکت و اطلاعيه وسيعا در سطح شهر پخش گرديد. در اين تراکتها از کارگران خواسته شده بود تا در روز کارگر کار را تعطيل کنند، مراسم و جشن مستقل خود را بر پا دارند و مراسم دولتي را بطور يکپارچه تحريم کنند.

با نزديك شدن اول مه سراسر شهر و محلات و مراکز کارگري سيماي ديگري بخود ميگرفت. شور و شوق و شادي در همه جا موج مي زد. همه چيز حاكي از اين بود که امسال هم مراسم اول مه، با شکوه بسيار برگزار خواهد شد.

این اوضاع مثل سالهای گذشته عوامل جمهوری اسلامی را به تقلا و دست و پا زدن انداخت. تا به هر نحو که شده از برگزاری مراسم مستقل کارگري جلوگیری کنند و کارگران را به مراسم دولتي بکشانند. اما هوشیاری و اقدامات کارگران تمام تقلاها و توطئه های نیروهای رژیم را خنثی کرد. کار ما از سالها قبل دشوارتر بود. اما با این وجود هیئت برگزاری اول مه انتخاب شد. قبلا هیئت برگزاری با ابتکارات اتحادیه صنعتگر و جمعی از فعالین کارگري انتخاب میشد. اما در سال ۶۸، اتحادیه صنعتگر تعطیل شده بود. و اینبار هیئت برگزاری و تدارک اول مه از طریق صندوقهای مالی کارگري که در شهر سنندج بودند، و با برپایی مجمع عمومی، انتخاب شد. و کارش را شروع کرد.

روز جمعه هشتم اردیبهشت کوه آبیدر سنندج صحنه شکوهمند شوق و شادمانی صدها زن و مرد کارگر و زحمتکش شهر سنندج در استقبال از اول ماه مه بود. ساعت ۳۰ و ۴ بامداد روز هشتم اردیبهشت ماه، شمار بسیاری از زنان و مردان انقلابی و آزادیخواه به سمت کوه آبیدر رفتند. در طول مسیر تراکتهای زیادی نصب شده بود. عنوان بخشی از این تراکتها عبارت بود از: “گرامی باد ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر”، “زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگري”، “مرگ بر جمهوری اسلامی و گرانی و خفقان، بیکاری، هدیه جمهوری اسلامی.”

جمعیت مردم وقتی به قله کوه آبیدر میرسیدند با يك پلاکارد بزرگ و پرچم سرخ بر افراشته روبرو میشدند که با ستاره سرخ تزئین شده بود؛ “۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران جهان بر شما پیروز باد.”

پس از اجتماع بر فراز کوه آبیدر جمعیت مردم به سمت محلی بنام “کانی ماماتکه” حرکت کردند. در آنجا نیز يك پلاکارد و پرچم سرخ نصب شده بود. در این محل، حاضرین به نشانه جشن و شادمانی رسیدن اول مه، به رقص و پایکوبی پرداختند که تا ساعتها ادامه یافت. آنگاه در میان تشویق شرکت کنندگان در این مراسم، پرچمی سرخ بر تپه مشرف به این محل برافراشته شد. این مراسم تا ساعت ۱۰ صبح جمعه ادامه یافت و در میان شوق و شادمانی حاضرین به پایان رسید.

۱۱ اردیبهشت تحریم مراسم دولتی

صبح روز یازدهم اردیبهشت کارگران سنندج مراسم دولتی در محل آملی تئاتر دانشگاه رازی را بطور یکپارچه و قاطع تحریم کردند. و با این کار عزم و اراده خود را برای برگزاری مراسم مستقل کارگری پیش از پیش به نمایش گذاشتند.

۱۱ اردیبهشت، کشمکش کارگران و اداره کار، کارگران توطئه اداره کار را خنثی میکنند، و خود مستقلا اقدام به تهیه سالن برای مراسم بزرگ کارگری میکنند!

کارگران سنندج در شرایطی سالن ورزشی تختی را به صحنه نمایش قدرت متحد خود تبدیل کردند که پیش از این توانسته بودند همه موانع، سنگ اندازیه‌ها و تهدیدات اداره کار سنندج را با دقت و هوشیاری خنثی کنند. کارگران به اداره کار مراجعه کردند تا محلی را برای مراسم شان بگیرند. زمانی که عوامل رژیم از کشاندن کارگران به مراسم دولتی سرخورده شده بودند، کوشیدند تا با سنگ اندازی از برگزاری مراسم مستقل کارگری جلوگیری کنند. از جمله گماشتگان جمهوری اسلامی در اداره کار اعلام داشتند که آن زمان مکانی را برای مراسم در اختیار کارگران قرار خواهند داد که مشخصات کامل سخنرانان را به آنها تحویل دهند. اما کارگران به این شرایط اداره کار گردن نگذاشتند. کشمکش بین کارگران و اداره کار در این رابطه تا ظهر روز ۱۱ اردیبهشت ادامه یافت. در این حین کارگران که می دانستند رژیم تسلیم نخواهد شد، تصمیم گرفتند خودشان راسا محلی را برای برگزاری مراسم تعیین کنند و در این مورد سالن ورزشی تختی را انتخاب کردند. این خبر به سرعت در میان کارگران شهر پیچید. کارگران در ساعت يك بعداز ظهر دسته دسته به سمت سالن تختی به حرکت درآمدند.

تجمع بزرگ کارگران، و مردم شهر سنندج در سالن ورزشي تختي، و برگزاري جشن باشکوه اول ماه مه!

کارگران در ساعت يك بعداز ظهر دسته دسته به سمت سالن تختي به حرکت درآمدند. ساعت سه بعداز ظهر کارگران درب سالن را باز کردند و سالن را در اختيار خود گرفتند. با افزایش تعداد کارگران و شروع مراسم، گشتي هاي رژيم که قبل از آن به اجتماع کارگران نزديک شده و به بازديد کارتهاي شناسايي پرداخته بودند، تا پايان کار جرات نزديک شدن به محل را نيافتند. کارگران به محض در اختيار گرفتن سالن فوراً شروع به تزئين و آماده ساختن کردند. تراکت و پلاکاردهاي متعددي در سالن نصب شد.

روي بعضي از پلاکاردها اينطور نوشته شده بود؛ “کارگران جهان متحد شويد”، “گرامي باد ۱۱ اردیبهشت روز جهاني کارگر”، “ما کارگران صنعتي خواهان تعطيل روز جهاني کارگر هستيم”، “ما کارگران شرکت شاهو خواهان تعطيلي روز جهاني کارگر هستيم”، “ما کارگران کردستان پشتيباني خود را از مبارزات کارگران فلسطين اعلام مي‌داريم”، “زنده باد روز کارگر”، “زنده باد اتحاد و مبارزه متحدانه کارگران”، “راه ما

در اتحاد ماست” در روی این پلاکاردها که با ستاره سرخ تزئین شده بودند، امضا کارگران سنندج بچشم میخورد.

ساعت سه بعدازظهر در حالیکه چند زن و مرد و پیر و جوان در داخل و اطراف سالن اجتماع کرده بودند، در میان شور و استقبال حاضرین مراسم آغاز شد. در ابتدا یکی از شرکت کنندگان در مراسم خوش آمد گفت. سپس به احترام کارگران جانباخته شیکاگو و همه جانباختگان راه رهایی طبقه کارگر یک دقیقه سکوت سکوت اعلام گردید و سخنرانان یکی پس از دیگری صحبت کردند.

ابتدا جمال چراغ ویسی، در مورد تاریخچه اول مه سخنرانی کرد. جمال در صحبت‌های خود اشاره به چگونگی مراسم روز جهانی کارگر توسط کارگران همه کشورهای جهان و عنوان این مسئله که کارگران با تعطیل و توقف کار و تولید در چنین روزی قدرت متحد خود را به نمایش میگذارند، از جمله گفت؛ “این روز برای ما کارگران فرصتی است تا قدرت متحد خود را به نمایش درآوریم و این واقعیت را اثبات کنیم که همه ثروت‌های این جهان حاصل کار ماست”! جمال سخنرانی خود را در میان شور و شوق و تشویق زنان و مردان حاضر در سالن به پایان برد.

دومین سخنران، باز هم جمال چراغ ویسی بود که درباره ضرورت متشکل بودن کارگران صحبت کرد. جمال با اشاره به محدودیتهایی که از جانب دولت و سرمایه داران بر سر راه ابراز

وجود فعالیت اجتماعات و تشکل های کارگري ایجاد می کنند. پیرامون اهمیت برپائی شورا و مجمع عمومی و امکان پذیر بودن آن با تکیه به نیروی کارگران توضیحاتی داد. وی سپس درباره بیمه نیکاری صحبت کرد و گفت؛ “ما خواهان آن هستیم که به کارگران بیکار، همه کسانی که از داشتن شغل محرومند، بیمه بیکاری داده شود. ما در درجه اول باید کار داشته باشیم، دولت باید بما کار بدهد. اما در صورتیکه شغل برای ما تامین نشود، باید بیمه بیکاری به ما پرداخت گردد”. جمال در ادامه صحبت هایش گفت؛ “بنا به آمار دولتی تنها ده هزار کارگر بیکار در کشور وجود دارند که واجد شرایط دریافت بیمه بیکاری هستند اما همه ما می دانیم که این آمار واقعیت ندارد چرا که تنها در همین شهر سنندج بیشتر از ده هزار نفر کارگر بیکار داریم”. جمال در میان تشویق حاضرین سخنرانش پایان یافت.

موضوع سومین سخنرانی که از جانب یکی دیگر از کارگران ایراد شد، صحبت در مورد ستم و تبعیضی بود که در جامعه نسبت به زنان اعمال میشود. این سخنران تاکید کرد لازم است کارگران برای بدست آوردن برابری زنان هم طبقه ای خود در همه عرصه های کار و زندگی اجتماعی مبارزه کنند.

بعد از آن کارگر ۱۵ ساله ای درباره کار کودکان و جوانان کمتر از ۱۸ سال سخنرانی کرد. وی به تفصیل توضیح داد که چگونه سرمایه داران از تنگدستی خانواده های کارگري برای استثمار فرزندانشان استفاده میکنند. این رفیق کارگر تاکید کرد بجای اینکه

کودکان و جوانان در این سنین با بهره‌گیری از امکانات جامعه درس بخوانند و برای ارتقا توانایی و استعدادهاي انساني خود بکوشند، سرمایه‌داران آنها را از چغوش خانواده‌هایشان بیرون کشیده و در بازار پر مشقات کار استثمار میکنند.

در قسمت پایانی مراسم قطعنامه‌ای ۲۳ ماده‌ای قرائت شد و حاضران با کف زدن آنرا تایید کردند. در حین خواندن قطعنامه، متن چاپ شده آن نیز در میان شرکت‌کنندگان توزیع میشد.

در طول مراسم در فاصله سخنرانی‌ها چند نفر از کارگران با خواندن سرود و ترانه شور و شوق بیشتری به مراسم بخشیده بودند. همچنین توسط چند تن از کودکان کارگران يك سرود اجرا گردید. در طول مراسم همچنین با شربت و شیرینی از شرکت‌کنندگان پذیرایی شد. مراسم با خواندن سرود “آتش سرخ” از جانب یکی از کارگران و هم‌آوایی طنین انداز سایر کارگران خاتمه پیدا کرد. بدین ترتیب مراسم پر شکوه جشن جهانی کارگران که با شرکت هزاران زن و مرد کارگر و علیرغم تمام کارشکنی‌ها و توطئه‌های مسئولین دولتی در سالن ورزشی تختی برپا شده بود، در میان خواندن سرود و سر دادن شعارهای “اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد”، “اتحاد مبارزه پیروزی” به پایان رسید.

تظاهرات و راهپیمایی در روز اول ماه مه!

بعد از تمام شدن مراسم سالن تختی، موجی از انسانهای شریف و زحمتکش، سالن ورزشی تختی را به سمت کوچه و خیابانهای شهر ترک گفتند تا با تظاهرات و راهپیمایی پرشور خود جلوه دیگری از عزم و اراده متحد و یکپارچه طبقه کارگر را به نمایش بگذارند.

هزاران زن و مرد و پیر و جوان در حالیکه شعار میدادند، با نظم و ترتیبی کم نظیر از کوچه های مسیر سالن تختی تا خیابان شهدا به راهپیمایی پرداختند. در طول راه مرتباً بر تعداد تظاهر کنندگان افزوده میشد و شعارها طنین بیشتری پیدا کرد. در انتهای مسیر شمار راهپیمایان به دو برابر رسیده بودند.

شعارهای این تظاهرات عبارت بودند از “آزادی برابری حکومت کارگری”، “اتحاد اتحاد کارگران اتحاد”، “زننده باد سوسیالیسم”، “سیه ما سپر شده، گلوله بی اثر شده”، این راهپیمایی تا ساعت ۶ بعدازظهر ادامه یافت و درمیان شوق و شادمانی کارگران و مردم شه پایان یافت.

مراسم وز جهاني کارگر در کارخانه شاهو!

مراسم در کارخانه شاهو از ساعت ۱۲ ظهر اول مه شروع شد

در این مراسم کارگران کارخانه شاهو علاوه بر سخنرانی تنی چند از کارگران و پخش شیرینی و شربت و خواندن سرود، قطعنامه ای ۱۶ ماده ای خوانده شد و مورد تصویب کارگران شرکت کننده قرار گرفت.

«این بخش و بخش های زیادی از انتشار مراسمهای اول مه سالهای ۶۴ تا ۶۸ با استفاده از نوار سخنان رفیق یدی عزیز فعال جنبش برپائی مراسمهای اول ماه مه در سالهای ۶۴ تا ۶۸ که در هنگام نوشتن این کتاب تقاضای من را در ارتباط با نقل خاطرات و تجاربش در این سالها قبول کرده بود، تنظیم شده است.» به این مناسبت و درآستانه اول مه از رفیق یدی عزیز مجدداً و صمیمانه تشکر میکنم. نسان نودینیان آپریل ۲۰۰۷

اتحادیه صنعتگر

همزمان با آکسیونهای ماه مه در سنندج، تحول مهم دیگر در جنبش کارگری ایجاد اتحادیه صنعتگر در شهر سنندج بود. پروسه کسب آمادگی برای برپایی آکسیونهایی گسترده ما مه در سنندج و تلاش برای برپایی تشکل کارگری رادیکال در این دوره بطور واقعی از هم تفکیک پذیر نیستند. یکی از فعالین جنبش کارگری سنندج، یدی عزیز در مورد ایجاد اتحادیه صنعتگر چنین میگوید؛ “در اسفند ۱۳۶۴ بحث درست کردن تشکل کارگر از طرف جمعی از کارگران در محل کار و مراودات محل زندگی مطرح شد. کارگران به این مساله فکر میکردند که تشکلی به اسم “دفتر کارگری” یا “اتحادیه” تشکیل شود. بحث سازماندهی کارگران حول تشکل کارگری تا فروردین ماه ۱۳۶۵ در میان کارگران در محافل مختلف کارگری وجود داشت. این مساله از زاویه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در فروردین سال ۱۳۶۵ با اتحادیه خیاطان در مورد تشکیل تشکل کارگری مشورت میشود با اتحادیه خیاطان تماس گرفته میشود و آنها تجارب خودشان را در اختیار میگذارند اولین کمک آنها مساله جایی بود برای جمع شدن کارگران کارگاههای کوچک، سپس چند نفر از کارگران (که بعدا اتحادیه صنعتگر را ایجاد کردند). به اداره کار مراجعه میکنند و با کارمندان اداره کار، به اسم “هدایتی معاون اقلامی” رئیس اداره کار سنندج، صحبت کردند. هدایتی هیچ

کاري براي کارگران انجام نداد و فقط براي آنها براي ملاقات با “اقلامي” وقت تعيين کرد. يك هفته بعد، اقلامي رئيس اداره کار به رفقاي کارگر گفته بود که بايد حداقل ليست ۵۰ کارگر بيمه شده داشته باشد تا مجوز دادن تشکل کارگري از طرف دولت داده شود. و در ضمن گفته بود تشکلي که ايجاد ميشود زير نظر اداره کار است و اداره کار دخالت مستقيم بايد داشته باشد. کارگران در مقابل اقلامي رئيس اداره کار گفته بود ند که ما جمعي کارگر هستيم و نميخواهيم زير نظر اداره کار و يا گروههاي سياسي باشيم. ما ميخواهيم تشکل مستقل خود را داشته باشيم. بعد از شنيدن اين اظهارات اداره کار مرتبا در کار پيشرفت ايجاد تشکل کارگري، کار شکني ميکرد و کارگران ماهي دو سه بار مراجعه ميکردند. وقتي در مقابل کارشکنيهاي اداره کار نا اميد شدند، اين بار از طريق اداره بيمه وارد شدند و ليست ۵۰ کارگر بيمه شده را به آنها دادند. اداره بيمه با ايجاد تشکل کارگري موافقت کرد و گفت در جايي ميتوانيد محلي به اسم “دفتر کارگري” که بعدها به اسم “اتحاديه صنعتگر” شناخته ميشد، ايجاد کنيد. اين بار در محل اتحاديه خياطان دفتري باز کردند و در مدت کوتاهي ۲۵۰ کارگر به عضويت درآمدند. کارگران مکانيک، کارگران نقاش، کارگران شوماژ کار، کارگران تراشکار و کارگران نجار در اتحاديه صنعتگر جمع شدند. کار اتحاديه روبراه شد. از بدو کار هيئتي را براي رسيدگي به حل اختلاف بين کارگر و کارفرما در اتحاديه انتخاب شد. بعضي از کارگران که عضو اتحاديه هم بودند هنوز بعد از ۶ تا ۷ سال بيمه نبودند. به وضع اين کارگران اين هيئت رسيدگي ميکرد. و هيئتي براي رسيدگي به وضع کودکان که سن و سال آنها بين ۶ و ۷ سال بود، تشکيل شد. اين اقدامات کارفرماهاي کارگاههاي کوچک را بر آشفته کرد و به اداره کار ميرفتند و شکايت ميکردند، که اين اتحاديه صنعتگر

کارگران را علیه ما تحریک میکنند. در اتحادیه يك چیز معلوم بود و اینکه کارگران نمیخواستند دیگر مثل سابق بدون بیمه باشند. اتحادیه لیست کارگرانیکه بیمه نبودند به بیمه میبرد و اداره بیمه از بیمه نبودن این کارگران خبر نداشت. کارفرماها هنگام مراجعه اداره کار برای بیمه کردن کارگران به کارگاهها مراجعه میکرد. کارفرماها کارگران بیمه نشده را قایم میکردند و با گروه های مختلف مسئولین اداره بیمه را رد میکردند. سوادآموزي هم يکي دیگر از فعاليتهاي اتحادیه بود. این يك تشکل شورایی بود، هر چند اسم آن اتحادیه بود. و در مجمع عمومي اتحادیه تمام تصمیمات گرفته میشد. مجموعه این اقدامات و فعاليتهاي که اتحادیه انجام داد زمینه را برای تدارك سازمان یافته اول مه در سال ۶۵ هم فراهم نمود.

اتحادیه صنعتگر تا سال ۶۷ به فعالیت خود ادامه داد. در این مدت اقدامات معینی را به نفع کارگران به سرانجام رساند. بیمه کردن کارگران، رسیدن به وضعیت کارگاههاي کوچک، ایجاد شرکت تعاوني و پیگیری سوادآموزي کارگران از مهمترین این اقدامات بودند. اتحادیه کمیته های مختلفی در امور ورزش و بهداشت و سوادآموزي بوجود آورد.

اتحادیه صنعتگر و دفتر آنها در عین حال محملي بود که کارگران و رهبران آنها بدور هم جمع میشدند. تدارك مراسمهاي ماه مه از سال ۶۵ تا ۶۷ اساسا از این کانال میگذشت. اتحادیه صنعتگر با دو مشکل روبرو بود. اول از توجه کردن به طرح بعضي

مطالبات کارگري که امکان طرح و تحقق آنها موجود بود غافل ماند و همین باعث شد، نتوانند قدرت بسیج وسیعتری داشته و نیروی بیشتری را حول اهداف و مطالبات خود بسیج کند. دوماً و اساسی تر، از همان روز اول با فشار کارفرمایان، اداره کار و رژیم جمهوری اسلامی روبرو بود. نزدیک به سه سال فعالیت اتحادیه، دست و پنجه نرم کردن با این فشارها هم بود. بدنبال ماه مه ۶۷ و شروع اوج دستگیری، تعدادی از دست اندرکاران و فعالین اتحادیه صنعتگر هم دستگیر شدند. و این ضربه نهایی را در جهت پایان دادن به عمر این تشکل نوپا وارد کرد. از نیمه دوم سال ۶۷ اتحادیه صنعتگر نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد.

همزمان با دوران فعالیت اتحادیه صنعتگر لازم است به عرصه دیگری از سازمانیابی کارگران سنندج اشاره شود. در همین دوران صندوقهای مالی کارگري که به شکل نیمه مخفی و نیمه علنی فعالیت میکردند در میان کارگران و خانواده های بعضی از محلات کارگري بوجود آمد. این صندوقها امکانی بودند که کارگران به یاری آنها هم شرایط سخت معیشتی شان را تخفیف دهند و در عین حال ابزاری بود که تا حدودی نیاز آنها را به متحد و متشکل بودن جواب دهد. تعدادی از این صندوقهای کارگري یکسال بعد از اتحادیه صنعتگر هم فعالیت خود را ادامه دادند. اتفاقاً در غیاب اتحادیه صنعتگر مراسم ماه مه سال ۶۸ توسط فعالین این صندوقها سازماندهی شد. با ادامه دستگیری رژیم در سال ۶۸ تعدادی از فعالین این صندوقها و از جمله رفیق جمال چراغ ویسی دستگیر شدند و ادامه کاری آنها هم قطع شد. صندوقهای کارگري نیز خود انعکاسی از سیر سازمانیابی کارگران در آن سالها بود.